

# سالشمار زندگی ماکس فریش

علی اصغر حداد

- ۱۹۱۱ ۱۵ ماه مه: تولد ماکس فریش، فرزند یک آرشیتکت، در زوریخ - سوییس.
- ۱۹۳۰-۳۲ تحصیل در رشته‌ی ادبیات آلمانی زبان در دانشگاه زوریخ. ترک تحصیل در پی مرگ پدر و بروز تنگناهای مالی. همکاری افتخاری با روزنامه‌ی نویه زوریخر سایتونگ!
- ۱۹۳۴ نگارش نخستین رمان به نام بورگ راینهارد، سفر تابستانی و سرنوشت‌ساز<sup>۲</sup>. فریش درباره‌ی ارزش آثار اولیه‌ی خود دچار شک و تردید می‌شود، تصمیم می‌گیرد از نویسندگی دست بکشد و تمام دست‌نوشته‌های خود را می‌سوزاند.
- ۱۹۳۶-۴۱ تحصیل در رشته معماری در مدرسه‌ی عالی - فنی زوریخ. پایان تحصیلات با مدرک لیسانس.
- ۱۹۴۰ انتشار اوراقی از کیسه‌ی نان، یادداشت‌های یک توپچی<sup>۳</sup>. فریش این اثر را با بهره‌گیری از تجربیاتی که در طول خدمت سربازی در آغاز جنگ جهانی دوم به دست می‌آورد می‌نویسد.
- ۱۹۴۲ در مسابقه‌ی طراحی یک استخر روباز در زوریخ جایزه‌ی اول به فریش تعلق می‌گیرد و او کمی پس از دریافت این جایزه، دفتر معماری خود را در زوریخ افتتاح می‌کند. ازدواج با گرترود فون ماینبروگ<sup>۴</sup>، طلاق پس از جدایی طولانی در سال

۱۹۵۹. حاصل این ازدواج: سه فرزند.
- ۱۹۴۴ نگارش سانتا کروز؛ یک رمانس<sup>۱</sup>.
- ۱۹۴۶-۵۱ نگارش نمایش نامه‌هایی که به طور مستقیم یا به شیوه‌ی بیگانه‌سازی، با مسایل دوران پس از جنگ در ارتباط‌اند: حالا دوباره آوازی خوانند<sup>۲</sup> (۱۹۴۶)، دیوار چین<sup>۳</sup> (۱۹۴۷)، گراف اودرلند<sup>۴</sup> (۱۹۵۱).
- ۱۹۴۷-۴۸ فریش در یادداشت‌های خود مربوط به سال‌های ۴۹-۱۹۴۶ از دیدارش با برتولت برشت در زوریخ یاد می‌کند و بعدها، در سال ۱۹۶۸، یک بار دیگر در نوشته‌ای به نام «خاطراتی از برشت» به این دیدار می‌پردازد.
- ۱۹۵۱ دریافت بورس تحصیلی از سوی مؤسسه‌ی راکفلر و اقامت یک ساله در امریکا.
- ۱۹۵۲ نگارش نمایش نامه‌ی دون خوان یا عشق به هندسه<sup>۵</sup>.
- ۱۹۵۴ انتشار رمان اشتیلر<sup>۶</sup> برای فریش شهرت و افتخار به ارمغان می‌آورد. فریش در این رمان، و نیز در آثار بعدی خود به نام‌های هومو فابری<sup>۷</sup> (۱۹۵۵) و گیریم نام‌من گانتن باین است<sup>۸</sup> (۱۹۶۰)، به مسئله‌ی هویت، و نیز مسئله‌ی پذیرش خویش می‌پردازد.
- ۱۹۵۵ انحلال دفتر معماری و آغاز دوران نویسندگی حرفه‌ای فریش.
- ۱۹۵۸ دریافت جایزه‌ی گئورگ بوشنر<sup>۹</sup>. نمایش نامه‌ی آقای بیدرمن و آتش افروزان<sup>۱۰</sup> برای نخستین بار در خانه‌ی تئاتر زوریخ نمایش داده می‌شود و نخستین موفقیت فریش در عرصه‌ی تئاتر رقم می‌خورد.
- ۱۹۵۸-۶۳ رابطه‌ی صمیمانه با اینگه‌بورگ یاخمن<sup>۱۱</sup>.
- ۱۹۶۱ نخستین اجرای نمایش نامه‌ی تمثیلی آندورا<sup>۱۲</sup> در خانه‌ی تئاتر زوریخ. آندورا نخستین موفقیت بین‌المللی فریش را برای او به ارمغان می‌آورد. موضوع این نمایش نامه مسئله‌ی نژادپرستی است.
- ۱۹۶۲-۸۷ دریافت دکتری افتخاری از دانشگاه فیلیپس ماربورگ در سال ۱۹۶۲، از کالج بارد امریکا در سال ۱۹۸۰، از دانشگاه سیتی نیویورک در سال ۱۹۸۲، از دانشگاه بیرمنگام در سال ۱۹۸۴ و از دانشگاه فنی برلین در سال ۱۹۸۷.
- ۱۹۶۵ دریافت جایزه‌ی ادبی شهر اورشلیم. فریش گاهی در برلین، گاهی در زوریخ و گاهی در نیویورک زندگی می‌کند.

1. Santa Cruz. Eine Romanze

2. Nun singen sie wieder

3. Die Chinesische Mauer

4. Graf Öderland

7. Homo Faber


8. Mein Name sei Gantenbein

9. Georg Blüchner

10. Herr Biederman und die Brandstifter



شہزادہ محمد اسحاق انسانی و مطالعات فرہنگی  
رسالہ علمی علوم انسانی



شہد بشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

→ خانه این که ماکس فریش در آن متولد شد (زوریخ - خیابان هلیوس اشتراسه، شماره ۳۱)

۷۹-۱۹۶۸ ازدواج با ماریانه اولرز<sup>۱</sup>. فریش با نگارش دو جستار «ویلهلم تل برای مدرسه»<sup>۲</sup> در سال ۱۹۷۱، و «کتابچه‌ی خدمت»<sup>۳</sup> در سال ۱۹۷۴، دو اسطوره‌ی بدیهی سوییسی را زیر سؤال می‌برد و بحث و جدل‌های شدیدی را موجب می‌شود. در «کتابچه‌ی خدمت» فریش تجربیات دوران سربازی خود را در جنگ دوم جهانی به رشته‌ی تحریر می‌کشد.

۱۹۷۵ مجموعه آثار فریش در ۶ جلد منتشر می‌شود. دریافت جایزه‌ی صلح کانون مرکزی کتایفروشان آلمان<sup>۴</sup> به پاس استمرار در مبارزه علیه سوءاستفاده از قدرت و عوامفریبی ایدئولوژیک.

۱۹۷۸ با اجرای نمایش نامه‌ی *Triptychon* فصل پایانی فعالیت هنری فریش آغاز می‌شود. راه‌اندازی آرشیو ماکس فریش در مدرسه‌ی عالی - فنی زوریخ؛ فریش ماترک خود را به آن مدرسه واگذار می‌کند.

۱۹۷۹ انتشار داستان «انسان در هولوسن حضور می‌یابد»<sup>۵</sup>. فریش در این اثر به مقوله‌ی پیری و تنهایی می‌پردازد.

۱۹۸۵ فریش به مناسبت اجلاس ادبی زولوتورن<sup>۶</sup> و هفتاد و پنجمین سال تولد خود سخنرانی یأس‌آلودی با عنوان «گاو طلایی در پایان روشنگری» ایراد می‌کند و در این سخنرانی با نگاهی بدبینانه به نقد و بررسی چندین دهه فعالیت خود به سود تحولات سیاسی - اجتماعی می‌پردازد.

۱۹۸۹ انتشار جزوه‌ی پرخاشگرانه‌ی «سوییسی بدون نیروهای مسلح؟ حرفی بیهوده». این جزوه پیش از جشن‌های پنجاهمین سال بسیج همگانی و پیش از برگزاری رفراندوم به قصد لغای ارتش در سوییسی منتشر می‌شود. نخستین اجرای دیالوگ صحنه‌ای «یوناس و کهنه سربازش»<sup>۷</sup> در زوریخ. موضوع این اثر هم لغای ارتش سوییسی است.

۱۹۸۹-۹۰ فریش با ساختن فیلم از روی هومو فابر توسط فولکر شوندورف<sup>۸</sup> موافقت می‌کند. فیلم مزبور سال ۱۹۹۱ در سینماها نمایش داده می‌شود.

۱۹۹۱ چهارم آوریل: ماکس فریش پس از تحمل رنجی طولانی در اثر ابتلا به بیماری سرطان چشم از جهان فرو می‌بندد.



# شب ماکس فریش

شیرین بزرگمهر

فیلیپ ولتی

علی اصغر حداد

حمید سمندریان

مهشید میرمعزی